بررسی ساختاری خان و حفظ خان در شاهنامه
و اسطورهها و حماسه‌های دیگر

چکیده

شاهنامه میراث عظیم ادبی ایران است که در آن با برهگیمبی از عناصر مختلف اسطوره‌ای، تاریخی، دانستی، غنایی و... کلیه منجی و منتشری فرد شکل گرفته که آن را از حماسه‌های ملت‌های دیگر متفاوت و جدا ساخته است. بهره‌گیری مناسب از همه این عناصر آن را حتی به میل و خواسته مخاطبان امروزی خود هم بسیار نزدیک کرده است. در شاهنامه کشت و واکنش قهرمانان و پیروانان به شکل بسیار جذابی به تصویر کشیده شده است. این قهرمانان در سرسرد وندگی پرتاب می‌کنند با آزمون‌های زیادی روی و روی می‌شوند که از آنها می‌توان به‌خان، تعیین کرد. گاهی این خاندان که گسترش یافته و با اضافه‌شدن ویژگی‌های دیگری به آن‌ها، به حالت دانستی کاملاً درآمده‌اند که از آنها با نام «حفظ خان» یاد می‌شود؛ در اینجا که با هواسته‌های پایای اسطوره، به دامن قصه می‌چور و اسطوره و قصه یکی می‌شود. قصد می‌دار در این مقاله بررسی نکات کلیدی و مشترک آزمون‌ها، خانه، حفظ خان و حفظ خانگوته‌های قهرمانان در شاهنامه (که شمار آنها متفاوت است) و سایر حماسه‌ها بر اساس روش تطبیق ساختاری است.

کلیدواژه‌ها: حفظ خان، اسطوره، قصه، ریخت همان‌نام، ساختارگرایی.

mahsa.vahedy@gmail.com

تاریخ دریافت: 90/03/11
تاریخ پذیرش: 90/02/12
فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال 19، شماره 71، اسفند 1390
اساطیر، به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌ای ساخته شده ویژگی‌ها و عناصر خاصی دانسته. مقداری از این عناصر را می‌توان در سطح ظاهری یعنی روساخت اسطوره‌ها بی‌پدای کرد. اما بخش عمیقی از این برگشته‌ها در زر夫 ساخت و باطن آنها پنهان شده‌اند. این عناصر بر آمده‌ای از زندگی آدمیانی‌اند. چراکه خاستگاه اسطوره زندگی انسان‌ها است. به همین دلیل است که اسطوره‌ها در گذشته و حال در سطح زندگی انسان‌ها حضور پررنگی داشته و دوست نواهی نسبت به ارتباط‌های روانی، عاطفی و اجتماعی انسان‌ها تبیین کرده‌اند. رولان بارت در تعیینی که از اسطوره ارائه می‌دهد اسطوره‌ها یک گفتار می‌دانند. به نظر وی اسطوره یک نظام ارتباطی حاوی پیام‌های مختلف است (بارت، 1354: 113). بنابراین نقشی که اسطوره‌ها دارند مربوط به زندگی جمعی انسان‌ها است، اساطیر به عنوان واسطه و برقرار کننده ارتباط در بین انسان‌ها عمل می‌کند. در واقع می‌توان گفت که اسطوره‌ها رواپیش فکر انسان‌ها از زندگی بشری هستند که از محیط و جامعه برآمده و در آن نشود و نما یافته و جویان دارند.

بازشیرین، عاملی که اسطوره‌ها را به اجتماع و حیات انسان‌ها نشان می‌دهد، رواپیش است. رواپیش‌ها از دست ارائه داده شده در آغاز تبدیل شکل گرفته‌اند (آسکولون، 1380: 17) و در روند تاریخی گسترش تفکر انسانی تا حالت، رنگ و بوهای مختلفی به خود گرفته‌اند، اما همیشه حضور داشته‌اند و از آن‌ها به عنوان عضو لااقل‌فرنگک تفکر انسانی نام برد. می‌شود. رواپیش‌ها حاصل نگاه و نگرش خیالی آدمیان به محیط و اطراف هستند و یانگ ادیکت و نگرش‌های انسان آغاز‌زینی تا به آمرز را نشان می‌دهند. عرضه رواپیش از یک طرف به اسطوره می‌رسد که ساخته‌ای ساده دارد و از طرف دیگر به رمان‌های پیچیده امروزی متفاوت می‌گردد (آسکولون، 1383: 91).
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اسطورهها و... صص 137-140

از منظور اشتراوِ اسطوره‌های زبان است، برای شناخت آن باید آن را باز گفتم. اسطوره به‌خشی از گفتار آدمی است؛ برای حفظ و یزی‌گذاری آن باید نشان دهیم که اسطوره هم از مقوله‌های زبان است و هم چیزی جز آن، آمی جهور اسطوره‌های نه در سبک بینان و نه در موسیقی اصلی گفته است؛ جهور آن در داستانی است که اسطوره روابت می‌کند؛ اسطوره‌های زبان است آمیزشی که حیطه آن در سطح برتری است و معنا آن از شالوده زبانی خود جدا می‌شود و فراتر می‌رود (اشتراوی، 137: 138-139).

اگر از منظور روابت شناسی به اسطوره نگاه کنیم، مشاهده می‌کنیم که اساس از مجموعه داستان‌های ساده و گاه پیچیده‌ای تشکیل شده‌اند که با حفظ سلسله زمانی نقل شده‌اند و دارای شخصیت‌های و بازیگرانی هستند که با کارکرد یا مسئولیت و منفی، الهی و شیطانی خود، به شکل گیری و بیدا شان آن اسطوره که‌کرده‌اند. اساطیر در واقع، روابت و گزارش داستان زندگی و جدال انسان‌های اولیه در تقابل با انسان‌های شرور مهاجم یا پدیده‌های طبیعی است. این انسان‌ها در گزارش این داستان‌ها، بر طبق منطق حاکم بر روابت‌ها، از بی‌سیاری شگرددهای که امروزه در مباحث روابت‌شناسی مطرح هستند سود بردند. همین شگرددهای روابت-ساختاری هستند که اساطیر را از دید انسان‌های معاصر هم خوش‌زندگی کردند. و تنها همه انسان‌های فرهنگی را به خود جلب کرده‌اند.

یکی از زیباترین بحث‌هایی که در اساطیر وجود دارد و به‌واحی قابل انطباق با شگرددهای داستان‌پرداز امروزی است، موضوع «خان» و «هفت خان» است که جهت‌پردازی زیبا و خاصی به اساطیر متعلق می‌باشد. این اصطلاحات ممکن است در آن‌ها انجام می‌شود از سایر کارکردهای حمامی تا کاهش‌هایی که در آن‌ها انجام می‌شود از سایر کاهش‌های مردم‌پرستی و جالب ترند و تماماً از ناحیه آگاهه و نیازهای روانی جامعه برا آمده‌اند. به این اساس، هفت‌خانها علاوه بر آنکه از ماهیت اساطیری برخوردی اشتراوی
عده‌ای از اندیشمندان به منشاً اسطوره و قصه توجه و سعی کردند که یکی از این در را اصل و منشا شنیده‌اند. از یک طرف، عده‌ای اسطوره‌ها را سرچشمه اصلی قصه می‌دانند. به نظر این افراد اسطوره‌ها اصلی‌ترین و پرداختنی‌ترین قصه‌های پریان است و دلیل اصلی شبه‌های قصه‌ها و اساطیر هم همان است. از بین این نظریات مهم می‌توان به نظریه‌های فیلیپ و ولادیمیر پراب اشاره کرد. فیلیپ قصه را صورت ساده و کاهی‌ت‌اش اسطیر می‌دانست و معقّد بود که اساطیر بازمانده‌های کچ و معوج‌شده توهمات و آرزوهای ملل و آقایان در حکم رویایی اتحادی نوع بشر در دوران جوانی اویاند؛ به زعم وی، پرداخت قصه و اسطوره‌ها درخوانده‌ها و همان سازوکاری که در پرداخت رؤیا به کار می‌اندازند بعنی نمایش دادن، درهم قشریدن، از هم گشته، جابجا کردن و تبدیل ساختن در پرداخت قصه‌ها و اساطیر نیز دخالت دارند (لوقفر دلانوی، 1386: 101). به عقیده ولادیمیر پراب هم اسطوره‌های موقوله‌اين تاریخی تر و کهن تر از قصه‌های پریان است. اما جون قصه‌ای پریان در بی‌پی‌های ریخت‌شتاب‌آمیز با اسطوره‌ها یکی است. نمی‌توان به بحث‌های این قصه‌ها را از اسطوره‌ها جدا دانست (براب، 1371: 37).

اما برخلاف پراب که اسطوره‌ها را کهن تر و قدیمی‌تر از قصه‌های پریان می‌دانست، اشترانون شکل گیری فیله‌های پریان را با اساطیر هم زمان می‌داند. به عقیده اشترانون
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اسطوره‌ها و صص 137–140

در دوران کهن اسطوره‌ها و قصه‌های پریان دونش به دوش هم و هر همان شکل گرفته‌اند؛ همان‌طور که در حال حاضر هم قصه‌های عامیانه و اسطوره‌ها دونش به دوش هم وجود دارد (همان: 129–131). بسیاری از اندیشه‌دانان دیگر هم بر این باورند که تنهایی برحالی بین اسطوره و قصه حد و مرزی قابل شناخت و چه‌گونه ظهور آن دو همزمان بوده است. فرضیه مردم‌بگاری که برگزار نماده‌ای آن اندرو ناگهان است معتقد است که قصه پس‌مانده اسطوره نیست، بلکه اندیس‌های مرد و مقدماتی‌های ترین شکل اسطوره است. قصه‌ها هم‌زمان در جاهای مختلف عالم آمیخته از لحاظ فرهنگی یعنی در مرحله جان گرجیای یا جان‌آریندیاری طبیعت و تولید‌رستی بدیل می‌آید (الوفریتالش، 1386: 7). از نظر میرجا الباده مرز میان قصه و اسطوره‌های اصلی مشخص نیست، چرا که اسطوره‌هایی غالب‌اً با قصه‌ها آمیخته‌اند (خدیش، 1387: 33).

بنابراین، آنچه مشخص است این حقیقت است که هم‌خاطر درهم تبدیل‌گی دیرینه‌ای که بین قصه و اسطوره وجود دارد، نمی‌توان به‌رحمت مرز مشخصی بین آن دو کشید. از این روش‌ها و اندیشه‌های دیگری که به‌وکار درآمده است نشان دهنده سعی دارد به‌واسطه‌خصوصیات و کارکرد سازگارها متفاوت آن‌ها مانند آن دو تفاوت قابل شوند.

نورتروب فرای اسطوره را با دیگر مذهب و اعتقادات مذهبی مرتبط می‌داند اما قصه‌های عامیانه را مرتبط به امور غیرمقدس می‌شمارد (همان: 332). کارل آریام هم یپرو فروید است قصه را تخلیه محض و مرتبط به عالم انسانی می‌داند. اما اسطوره را با باورداشت و آن‌ها و مناسک انسانی و عالم خداان در ارتباط می‌شمارد (الوفریتالش، 1386: 11). به نظر آن‌ها اسطوره هم اسطوره‌ها عموی داستان مقدس تعیین می‌شوند. جراحی مضمونی از قبیل آفرینش جهان و اعمال خداان و نیمه‌خداان گوناگون را در بر می‌گیرند (آسایرگر، 1380: 99).
یا توافق به این نگرش‌ها، اگر بخواهیم تفاوت‌های کلی بین استخراج و قصه قائل شویم، یکی از بهترین راه‌حل‌ها این است که از لحاظ ساختاری بعنوان آن‌ها مراجعه کنیم. نخست اینکه، قهرمان استخراج بگانه است و سرشناس خدا‌دارد و وجودش آرمانی و مثالی است. این قهرمان در پایان ماجراجویی‌های می‌برد و در عمل علیه استحکام و دگردیسی می‌یابد. پایان زندگی قهرمان استخراج تلخ است (آسایب‌گر، ۱۳۸۰: ۹۹). در استخراج، قهرمان با مارک اندوهار خود جادوگر می‌شوند و در یادها زنده می‌مانند و قصة آن‌ها به‌گونه‌ای مثبت و پویا بر سر زبان‌های می‌مانند (وارنر، ۱۳۸۷: ۳۳). اما قصة‌ها بخصوص قصة‌های پریان یعنی مهم‌ترین نوع داستانی که ما در دوران کودکی با آن برخوردهای بتوان عالمی پیروزی قهرمان مرد یا زن و این اطمنان خاطر که آن‌ها از آن به بعد با خوشبختی زندگی کرده‌اند پایان می‌برد. (آسایب‌گر، ۱۳۸۰: ۹۹). به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قصّه و استخراج در این است که قصة‌ها به‌خاطر بُعد روانی شناختی که برای انسان‌ها به‌ویژه کودکان دارند، اغلب برخلاف استخراج‌ها، پایان خوشی دارد و قهرمان در آن‌ها مثال‌یا با دختر یا دختر شاخ ازدواج می‌کند، یا اینکه خود به پادشاهی می‌رسد. این اینکه شخصیت قهرمان هرچند در استخراج شخصیتی، امکان‌ها و به دنبال خدا واروم انتباه از دارنده، در قصة‌ها امکانی دارد که رستاکی به یک شخص عادی دیگر باشد که برحس اتفاق و تکراری شد به‌خاطر این داستان‌ها. در کل می‌توان گفت که قهرمان استخراج منطقی ترازیک دارد و هرچند امکان جایزه‌گری می‌گردد، خودش پایان‌یافته‌است. اما در قصة‌های قهرمان می‌توان برخی را طی می‌کند و از عدم به‌معنی هم‌جز می‌رسد و در پایان قصة اعمالش نتیجه رضایت‌بخش و خوشحال کندن‌های را را برای مخاطبان به امغان می‌آورد. این امر هم به‌خاطر دلیل روان‌شناسی دارد. جدا که قصة‌ها، حس ارزشمند داشته‌باشد، حس انتزاع اخلاقی و احساس خود بودن را به انسان‌ها به‌ویژه کودکان بادآوری می‌کنند. قصة با قدرت کردن آن‌ها به قرارداده تعارضات ناگاهانه در تخلیقات
آگاهانه و با پیش‌بینی‌گر هر چیزی که کودک کاننده بتواند به تخلیفات ساختار بخشید به آن‌ها کمک می‌کند (آسیب‌گر: 1382: 100-110).

هفت‌خانها، اسطوره‌ای قصه

با وجود این تفاوت‌ها، آنچه بیشتر نمودار این است که اساطیر و قصه‌ها در بنیاد هر دو بر یک اصل اسناد هستند، جریانی که درون‌ماهی قصه‌ها همچون اسطوره‌ها همان جدال ازلی و ابدی نیکی و بقی است که قطرده آن به اسطوره‌آفرینی پازه‌ی می‌گردد. در این‌

نبرده همیشه خوب پروز و بد مغلوب است، خوب پاداش می‌گیرد و اهریمن مجادلات می‌شود (خدبیش: 1387: 21).

اساس کار هفت‌خانها هم چنین است و در آن شاهد جدال انسان‌ها با دیوان، خوب‌ها با بدی‌ها و غیرمان از پی فرهم‌انست همین. آنچه براساس این گفته‌ها مشخص می‌شود این فرضیه است که می‌توان گفت هفت‌خانها در واقع‌های علمی‌یابه‌ی قصه و اسطوره و یکی از عوامل اصلی درهم‌نبودن‌های آن دو هستند. هفت‌خانها از حس اساطیری شکل‌گیری‌های و پیانگر «شورش گستاخانه آدم‌بردار» را ترسی و دل‌پیش‌ی‌های این است که آزمون‌های زندگی با گذشته قرن‌ها در یا پیدای آورده‌است، (واحد‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

از طرف دیگر، با توجه به حالت‌ی روابط منسجمی که دارند - از تسلیمی روایت‌های مختلف تشکیل شده‌اند - همچنین با عنايت به این امر که در هفت‌خانها و خانها امروزی چون ازدواج و رسیدن به پادشاهی پرنبگان از اسطوره‌ها مطرح است (توضیح در مورد این مسئله، «خواب‌آمدم»)، می‌توان گفت که از این لحاظ با قصه‌های عالم‌‌ی هم گرفت دارند. بنابراین در این منابع آنچه می‌توان به آن داشت کرد این است که شاید در روند شکل‌گیری قصه‌ها نقش‌های این واژه‌وبه‌ولی به نام‌ی را ایفا‌کرده‌اند.
بررسی خانها و هفت خانها از نظر ساختاری

تخلیص ساختاری با کارگذاری مهیج و موفق، نتایج منجر به ملاکی قرار می‌دهد و
بر آن عقیده است که در ارزش‌گذاری ملون ادبی ملاک فقط باید خود متن باشد. در
همین راستا تمام عناصری را که در داخل این متن در محورهای مختلف جانشینی و
همنشینی قرار دارند در ارتباط با هم بررسی می‌کنند. در روش ساختاری، پژوهشگران
پیدا کنندگان علم خود را به‌طور مستقل و جداگانه از یکدیگر مورد مطالعه قرار
نمی‌دهند، بلکه همواره می‌کوشند تا هدف پیدا کنند و در ارتباط با یک گروه معین
به‌طور جزئی از آن‌هاست بررسی کند (بایریسی و کوپر، ۱۳۶۶: ۲۳۲).

۱. طرح کلی هفت خانها

مهم‌ترین کاری که ساختارگرایان قصد انجام آن را دارند یافتن الگوی زیربنایی هم،
چیزی است (دان، ۱۳۸۳: ۶۵). به همین دلیل در بررسی پیداکنندگان مختلف سعی دارند
الگوی پیدا کنند که بر هم‌ار Mitarbeiter از راستا قابل انطباق باشد. اولین و مهم‌ترین
تلاش را ولادیمیر پراب، ریخت شناسی مشاهدات رویسی، انجام داده است. سایر
ساختارگران سعی کردند کارهای وی را تکمیل با نواصع نظریات وی را برطرف
کنند.

برای روایت را در صورت کلی متنی می‌دانست که از تغییر وضعیت از حالتی
معادل به حالتی غیرمعادل و در بردارنگشته به حالت معادل ایجاد شده باشد (اغوی
۱۳۷۱: ۱۸). وی این اصل را در ساختار قطعه پروری رویسی بیان کرد و سپس بود
کارکرد و سپس نحوه عمل کشی به دست داد که در تمام این قصه‌ها مشترک بود.
تایین کاپرآب آن قدر از دید ساختاری قابل توجه بود که ساختارگران در
بررسی‌های ساختاری خودشان بیشتر از آنکه به کار اشتراوس می‌پیوندند، الگوی
زیربنایی پراب را بی‌احترامی تغییر انجام دادند. توزون تودوروف از ساختارگران
برخی از بلغاری با نواصع از پراب در تحلیل روایت‌ها بر این عقیده بود که متن روایی از

فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۹، شماره ۷۱

کتابخانه هفت خانه
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اسطوره‌ها و... صص 137-140

چند پاره و سلسله تشکیل می‌شود. از نظر وی، سلسله بی‌ربطی به وضعیت معنی‌است که در هم ریخته شده و شکل جدیدی به خود گرفته است، اما بعداً در اثر نیرویی دیگر به حال اولیه بساینی بر می‌گردد. می‌توان در بنج قضیه آن را نشان داد:

۱) تعادل (مثلاً صلح)
۲) فقر (دشمن هجوم می‌آورد)
۳) از میان رفت و تعادل (جنگ)
۴) فقر دوم (دشمن شکست می‌خورد)
۵) تعادل دوم (صلح و شرایط جدید)

براساس این الگو، وی در داستان‌ها دو مرحله و فصل‌ها تشخیص داده است:
فعل وضعیت‌ها که شامل تعادل و عدم تعادل می‌شود.
فعل گذار که در هر داستانی یکبار اتفاق می‌افتد و شامل‌گذار از حال تعادل به غیرتعادل و از غیرتعادل به تعادل است (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۴۶).
کلود بردن در پی یافتن قاعده‌ای همگانی برای روایت‌ها، کارکردهای پریا را تغییر داد. به عقیده وی هر روایت از سه بایه شکل می‌گیرد:

۱) موقعیت پایدار اولیه
۲) امکان نگیر و دگرگونی در موقعیت پایدار اولیه که مرحله گذار نامیده می‌شود.
در این مرحله این امکان با به فعالیت آید یا نه.
۳) وضعیتی که محصول دگرگونی با محصول عدم دگرگونی است (دخمه)
(احمدی، ۱۳۱۳: ۱۶۶؛ اسکوالر، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

این پایدا در مقام زیرنهای محکمی برای تمام روایت‌ها همچون قصه‌های پریان قاعده‌ای زیرناتی تشکیل دهنده ی پری‌های روای محسوب می‌شوند. اگر به هفت‌خانه‌ای مشهور نگاه کنیم می‌توانیم این الگوی ساختاری را در آن‌ها هم مشاهده کنیم. در هفت‌خانه‌ها هم ابتدا یک وضعیت پایدار اولیه که نتیجه صلح و آرامش است
حکم فرامست، اما بعداً علی رخ می‌دهد که باعث به حرف درآمدن هفتخان
می‌گردد. در ادامه به بررسی عواملی می‌پردازیم که وضعیت یایدار اولیه را برهم
می‌زنند.

پرآب در تعطیف که از قصه ارائه می‌دهد بدانم که از لحاظ ریخت‌شناسی
می‌توان قصد را اتصال‌آن بسط و تطبیق دنیست که از شرارت با کمبو و نیاز
شرح می‌شود (پرآب، 1383). بنابراین بعده‌ی یی انگیزش (دلیل و هدف)
قصه‌ها عنصر شرارت با احساس کمبو و نیاز است.

در هفت‌خان رسم این انگیزش شرارت است. رستم برای نجات کاوسوس از بند دیو
سپید راهی مازندران می‌شود. وی برای بازگرداندن حالت تغذیه که در اثر اسارت شاه
ایران از بین رفته بود، تن به دشواری هفتخان می‌دهد و در آخر پس از انجام کارهای
پیلوان دشواری، که در حکم یی رفت‌های مبانی‌نگ آن، موفق به نجات کاوسوس و
بازگرداندن دوباره حالت تغذیه شده می‌گردد (حمیدیان، 1387: 153-159). در
هفت‌خان استفندیار ارگاسب نورتی با حمله به ایران و شرارت خود این حالت آرامش
را به هم می‌زنند، اما استفندیار موفق می‌شود دوباره این حالت تغذیه را با
نجات خواهرانش به ایران برگرداند (همان: 1388-1389).

در داستان گیل‌گمش در اثر کشته‌شندن انگیزه گیل‌گمش درصد گیل‌شاند راز
مرگ و نامبین‌آمیز انسان‌ها برپا می‌آید. در واقع مرگ انگیزه توسط تدبير خدا‌بان آرامش
را به هم می‌زنند و کاری می‌کنند که گیل‌گمش در خود احساس نیاز و کمبو کند و
درصد آن برآید که راز نامبین‌آمیز را از عقیده‌ی جویا شود. چرا که شورش
گیل‌گمش بر سرونشال، عصبانی انسان علیه جوری‌چه تابیز نشود یعنی مرگ است;
(رکی شاملو، 1382؛ منشی‌زاده، 1383). وی در اثر انگیزه به حرف درمی‌آید.
بعد نزد گذردن یی از مرحله‌های مبانی‌نگ، سرانجام با از دست رفتن گیل‌گمش و
بازگشت گیل‌گمش به قلمروهای بادشاهی خود، دوباره این حالت تغذیه استفدار می‌یابد.
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اسطورهها و... صص 137-140

(صفوی، 1356، ص 125-118). در ماجرای جیسون و آرگونات‌ها، این حالت تعادل در اثر
کشش شدن پدر جیسون توسط عمویش بر هم می‌خورد. جیسون بعد از برگ شدن در
اثر فشار عمویش برای بیان پیام رزین به حرکت در می‌آید و با بالاخره با تحمیل
کارهای طاق تفرسیای با زاغ‌داران نشان می‌دهد که زرین نمی‌توانند بر نخت پادشاهی که میراث
پدرش است. وضعیت سامان اولیه دوباره برقرار می‌گردد (هیملون، 1376: 174-157).

همین امر را می‌توان در خانهای مربوط به هرکول و اوپرس هم لحاظ کرد (ر.گ
گریمالدی، 1367). در همین این هفت خانهای هرفمان و شخصیت‌های بهلوی پرتر و گاه خداوند
در اثر شرارت شخصیت منفی دیگری یا برای برجسته بردن کمربود و نیازی که در
خود احساس می‌کند، دست به کارهای خارج عهده و هفت خانه‌ای می‌زند. این دو عامی
را می‌توان از دلالات اصلی شکل گیری این هفت خانهای مشهور دانست، جوا که
عجایب افسانه‌ها، متعلق و موقوف به احساس خواری و دلتن ماست. به مزایا که خود
را از امتیازات و افتخاری که حق مسلم خویش می‌دانیم محروم می‌بینم، دست توسل
به دامان نخیل می‌زند (لوفر دلاشوش، 1386: 35).

2. شخصیت‌ها

ولادیمیر پراب در تحلیل قصه‌های پریان علاوه بر سی ویک کار کردی که از تحلیل این
قصه‌ها به دست می‌دهد، شخصیت‌های عمدتاً تشکیل‌دهنده ساختار این قصه‌ها را هم به
حفظ حوزه‌کشتی محروک می‌کند: 1. شهرت 1. بخششند 3. پاره‌سگ، 4. شخصی که در
جستجوی این ۵. اعزام کند 6. هرفمان 7. هرفمان دروغین (پریاب، 1371: 59). سابر
ساختارگرها هم در شیوه تحلیلی خود این کار ساختاري پراب را مدل شناسی داده‌اند.
احتمالاً از آنها می‌توان به این اختصار کرد، وی به هدف حوزه‌کشتی پیدا کند،
از مشهورترین آنها می‌توان به ارگاس اشاره کرد. وی به هدف حوزه عمل پراب
سه جفت تقابل انسانی را پیشنهاد می‌کند که شامل شش نقش می‌گردد:
شناخته/ موضوع شناسایی؛ فرستنده/ گیرنده؛ کمک کننده/ مخالف (سالن، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

با اندکی دقت در این سه جفت دوپایی فهمیده می‌شود که این شش حوزه کنشی در واقع همان تشییع‌های برای است. اما با استفاده از تقابل‌های دو گروه که یکی از اصول اساسی ساختار گرایان است مطرح شده‌اند.

شخصیتی که در روایت‌ها به‌ویژه در اسطوره و قصه بیشتری با آن سروکار داردی، قهرمان است. قهرمان شخصیتی است که خواهش‌های بیشترین توجه را در طی نقل کنش‌های دستاتی به او دارد و با وی اظهار هم‌درد، هم‌دنبالی، شادی و آندوپ می‌کند (تودوروف، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

در اساطیر ملل مختلف، اسطوره قهرمان در شمار رایج ترین و شناخته‌شده‌ترین اسطوره‌ها به شمار می‌روند. این اسطوره‌ها در اساطیر قدیمی یونان و روم در خاور دور و در میان قابل بودیمی‌ها و حتی در خوام‌ها و روایاتیان هم ظاهر می‌گردد (پونگ، ۱۳۷۷: ۱۶۲). در اساطیر قهرمان برای رسدیدن به بلوغ روشنایی و برای نشان دادن شایستگی خود آزمون‌های دشواری را بر می‌تابد و با گشاده‌وری به پیشوا خطرناک می‌رود و سفرهای نمادینی را با رخدادهای هولناک پذیرا می‌شود (واحدوست، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

در قضه‌های عاطفه‌ای ایین قهرمان اغلب از زندگی شاهان و پرستاران است و از خصائصی چون آزادگی، اصلی‌گرایی، زیبایی، خوش‌اندامی، زوروندی، زیرکی و... برخوردار است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۸۵) و نقض اصلی آن، سرکوبی شخصیت‌های شرور و بازگرداندن آرامش ازدست رفته و کشور است.

یکی از ویژگی‌های اصلی اسطوره قهرمان این است که در بسیاری از این اساطیر قدرت‌های پسشیانی با حباشان، نماینده ولیعهد قهرمان را جبران می‌کند و یکی از قدرت‌های ایمنی توانایی خود را به تیپ بدون تاکتیک‌های پسشک از آنها نمی‌تواند انجام دهد به

References:
1. تودوروف (۱۳۸۵).人
2. پونگ (۱۳۷۷).人
3. میرصادقی (۱۳۷۶).人

Downloaded from jpll.khu.ac.ir at 22:25 IRST on Thursday October 10th 2019
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اسطوره‌ها و... صص 137-160.

سرانجام برساند (بونگک، 1377: 116). در شاهنامه شخصیت رستم به کوشانهای خلق شده است که برای انجام کارهای دشواری که بر دوش و گذاشته می‌شود دارای زور و قوت فراوانی است، اما اگر در جایی مثل جنگ با استفاده یارهای زور و کم می‌آورد، از سایر کمک‌ها مثل سپریم به دیدن جنگ با سهراپ از جمله و ترفند هم استفاده می‌کند. این امر به این دلیل است که رستم به عنوان کمک‌های اصلی اسطوره‌ای ایرانی نیابد. و نمی‌تواند شکست بخورد؛ در واقع در محکوم به پروری و پر است.

در اساطیر بونیا هر وقت که کمک‌های با مشکلی روی می‌شود، این خداوندان هستند که به کمک کمک‌های مورد علاقه خود می‌آیند و وی را بیاره می‌رسانند. حمامی بررسیون، آنا و حامی تره (تزهوس)، یازدهمین است. هرکول در خانهای دوازده گانه خود از کمک آنها و سایر خداوندان بهره می‌برد و با کمک‌های خداوندان است که می‌تواند دوازده خان مشهور خودش را انجام دهد. در داستان گیل کمک‌ها، وی از راهنمایی و پیشبردی‌ای خداوندان، خدا خورشیدید، برخوردار است.

علاوه بر پرایی خداوندان - که نمود واضح آن را در اساطیر بونیا می‌پینم - در هفت خانها بر اساس منطق حاکم بر قصه‌ها که برابه به آن اشاره می‌کند، شخصیت‌تانی تحت نام کارهای وعده دارد که کارهای کمک به کمک‌های در حال مشکلات و گذرا نسنی از سد خانهای دشوار پی در پی است. در هفت خان رستم، اولین نقص را ایفا می‌کند. رستم بعد از شکست دادن وی در خان پنجوم، به کمک‌های این دیو از تاریکی عبور می‌کند. استفاده از کمک‌های کمک‌های برخوردار است و با راهنمایی وی است که می‌تواند از خانهای دشوار از برف و سرم و خانه درا عبور کند. جیب‌سن در پیروی هاشیه پیوند گذاشته و گروهی‌که می‌خواهند «مدد» است. گیل کمک‌ها با کمک‌هایی کمک‌ها را ایفا می‌کند و به انتاپیشیم راه‌پیما می‌کند.
باربیکر ممکن است اولاً انسان نباشد. رستم در خان دومش به راهنماپی یک می‌شود، به جای آن چندین نفر همچنین در خانهای اول و سوم خود با کمکی آخوند ود، می‌توانند از سد خان شریف شریف به‌عنوان کنند. در دوم، با چندنام اصل را به کنید که در هفته‌خانه همچنین عالم دیده، همیشه این کمیت و ناحیه‌ها قهرمان با یاری حامی و باربیکر برطرف می‌شود. شخصیت حامی در این روایت‌ها شخصیت فرعي و ثانوی است و مکمل قهرمان به حساب می‌آید (آیفندلو، 1388: 9). همانطور که ذکر شده، هفت‌خانه همچنین قصه‌ها در اثر ایجاد شرایط یا حس کمیت و نیاز خلق می‌شوند. در اغلب آن‌ها شخصیت دیگری که پر از آن برنامه‌ای به‌نام «اعزام کننده» یاد می‌کند، به قهرمان بیش‌دادههای دهده که خود دست به انجام این کارهای دشواراند و شرایط ایجادشده را برطرف سازد. در هفته‌خانه رستم این بیش‌داده‌همه‌زالت است. به نویسی‌های است که رستم دست به بکار می‌شود و به سمت مازندران حرکت می‌کند. چون هر دستور عمویش که حاصل ناج و تخت‌پذش است، برای به دستآوردن پشم زرین حرکت می‌کند.

۳. آزمون و مواضع

در جهت بیش‌داده شبه‌شخصی‌های «اعزام کننده» است که قهرمان برای گذرند از آزمون‌های مختلف حرکت می‌کند. این آزمون‌ها برای تحقیف به‌پایگاه پهلوانی، پادشاهی و جاوادگی است. قهرمان تلاش می‌کند در راهی سخت که خودش انتخاب کرده است، به‌جان پکشود و نامی سازوار نام پهلوان به دستآوردهای واقع بعد از گذرا کردن از این آزمون‌ها است که شخص پهلوان به قهرمانی درخور به‌فوت خان بدل می‌شود. قهرمان این آزمون‌های دشوار را ازسر می‌گذارند، آن‌گونه که از بی‌خردی خالی می‌شود و در مرگ و تولدی رمزی و سعی برای خود میرسد و جون مردی نازه از خود زاده می‌شود (مسکوب، 1374: ۲۳-۳۳). در این‌گونه هفت‌خانه‌ی «پهلوان نوشال».
بررسی ساختاری خان و هفتخان در شاهنامه و اسطوره‌ها و صص ۱۳۷۳-۱۴۰۰

۱۵۱

با تحلیل آزمون‌های ساخت و بررسی در برای خطرهای هولناک بلوغ به‌پایان خویش را نشان می‌دهد (آیین‌نامه، ۱۳۸۸: ۳).

این آزمون‌ها جوهره و خمیره هفتخانها را تشکیل می‌دهند. فهرمان در گذشته از این آزمون‌ها به کمک شخص بازیگر و سیار عوامل از موانع متعددی عبور می‌کند. این موانع را در حال حاضر کلی می‌توان به دو دسته موانع طبیعی و موانع انسانی - جانوری تقسیم کرد. عده‌ای از این موانع همچون شب، دریا، برف، سرما، دره تنگ و... مربوط به طبیعت هستند. رستم در خان دوم خود از گرما و تنگی و در خان پنجش از تاریکی گذر می‌کند. استفاده از دریای عبوری می‌کند. گیل گمش از دریای طوفانی و مرگ‌زا گذر می‌کند.

اویس از نگان‌های دشت‌ها و طوفان عظیم که خش شورشید آن را ایجاد کرده بود عبور می‌کند. هر کول از دنبای زیرین و عالم مرگ گان سلام پیران می‌آید و سگ سمسر اسرپوس، را با خود می‌آورد (همیلتون، ۱۳۷۶: ۲۴۰-۲۴۸). چسپنسون از میان صخره‌های کویند به سیمیانچگی با موشی عبور می‌کند (همان: ۱۴۲-۱۵۷).

برخی دیگر از این موانع و آزمون‌ها در برخورد با موجودات قنوع و خارج عاده برگزیده یا انسان‌های شور و جادوگر است. فهرمان با این موانع دست و پنجه نرم می‌کند و با گذر کرد از این موانع و کشتن این موجودات است که فهرمان زاده می‌شود (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۱۴۴). از مشهورترین این موجودات می‌توان به آدیها اشاره کرد. مهم‌ترین از آدیها یک انگاره کهن اساطیری است که نه در افسانه‌های هندو، و اروپایی و سامی بلکه دار می‌باشد اقوام اندیکی تقریباً سناست سرشار با هزار سنی می‌باشد. مختلف جلوه‌گری می‌کند (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۴۴). در واقع می‌توان گفت که در اسطوره‌ای با موجودات دوزخی است که با پیاده‌کننده شودتا آدم‌زدگی‌ها از زمین زاده شوند (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۱۴۴). رستم، استفاده، چسپنسون، هر کول و گیل گمش هر
کدام در مراحلی از سیر قهرمانی خود محور می‌شوند این موجود استقلال‌های را بکشند.
علاقه به ازدیدن، می‌توان به شیر، گرگ، غولان آدمی خوار، گرگ و... اشاره کرد.
یکی از موانع مهم انسانی که بر سر راه این قهرمانان وجود دارد، مانع «زن جادو» است. زن جادو، یکی از پرکاربردترین شخصیت‌های منفی، هم در هفت خان‌ها و هم در قصه‌ها به‌شمار می‌رود. این شخصیت با جادوگری و زیبایی خود سعی می‌کند قهرمان را از نیل به هدف خویش بی‌باید یارد. رستم در خان چهارم بعد از اینکه زنی جادوگر در شکل و شماز زنی گیر برو ی زیبایی بر وی ظاهر می‌شود، به کمک بر زبان آوردن اسم برودگار از این مانع عبور می‌کند. استفاده به‌رحم در خان جادو رد می‌شود. جلسه در اولین خان خود با زنان «المنوس» برخوردار می‌کند اما موفق می‌شود که با زیر کی از شر آن خلاص شود. اولین در مسیر بزگ‌کشتن به زادگاه و قلمرو پادشاهی خود از دست زن جادوگری رها می‌یابد (آینده، 1388: 8-7).
قهرمان، شخصیت برتر روایت، بعد از گذرگردان از این موانع و با کمک شخصیت بازیگر موفق می‌شود به نقطه پایان روایت هفت خانی خود برسد و حالت تعالیکی را که در اثر شرکت شخص شیر از بین رفته بود دوباره ایجاد کند. در این مرحله، قهرمان با دفع انگیزش شرارت با با بروخ‌دختری‌حا حسن کمبو و نازی که قبلی داشت، به‌پایان آرمانی هدفی که با خاطر آن حکمت کرده بود دست می‌یابد. این بازیان خوش هفت خانی بیشتر از آنکه با منطق اسطوره‌ها سازگار باشد، شبیه بازیان خوش قصه‌های پریان است؛ در آنجا که زاهداغ قهرمان در آخر فصل به‌شاهرزاد خانم عروسی می‌کند یا این‌که به یادداشته می‌رسد (مسکوب، 1374: 9-20).

دان و هفت خان در گذر از اسطوره به قصه در تحلیل اسطوره، روش کار اشترونه سیاهی سلطانی به روش پر ابدار، وی برخلاف پرایگ که حکایت‌های عمانه‌ای روسی را به کارکرده‌های نایینی مقیسه می‌کند.
در بررسی اساطیر آنها را به واحدهای کوچک بخش می‌کنید که به کدام رابطه‌ای خاص با هم دارند. بعضی از این واحدها با کارکردهای می‌ویکی‌گاه پر از هم‌خوانی دارند، اما بعضی از آنها متفاوت‌اند. وی در تحلیل علی‌الhoa این واحدها را تنظیم می‌کند تا رمز و پیام نفوذ در آن اساطیر را کشف کند. در نظر اشتراوس اسطوره نوعی پیام است که به صورت رمز بیان شده است؛ اگر ما بتوانیم به‌خوبی این واحدها را بپیدا و به نحو درستی توقف کنیم، می‌توانیم رمز نفوذ در پیام‌ها را در پایان (اسکولز، 1383: 105).

قسمت مهم کار اشتراوس که حاصل اهمیت است بحث اشتراکات و تکرار کارکردهای در اساطیر است. اشتراوس در تحلیل اسطوره‌ها به نمونه‌های اساطیری می‌گردد که به اسطوره‌ها معنی می‌بخشد. وی با کشف ساختار اسطوره‌ها در پی آن است که ساختار بی‌یادگان ذهن بشر را آشکار سازد (سلدن، 1384: 143). به عقیده وی اسطوره‌ها به طور مشترک ساختاری لا‌یلایه‌ای دارند؛ آنچه این ساختار لا‌یلایه‌ای را مشخص و هویدا می‌سازد تکرار است. در اثر آن‌گونه تکرار است که ساخت لا‌یلایه‌های اسطیر را می‌توان ظاهر ساخت (اشتراوس، 1383: 158).

اگر بخواهیم بر اساس آنچه تا حال گفته‌شده، یعنی برای کارکردهای و خویشکاری‌های ثابت هفت خان‌ها، به بررسی این نوع روابط پیروزی می‌توانیم مشابه‌ها و سیاست‌های در بین هفت خان‌های مشهور بی‌پدایند. به بسیاری از این مشابه‌ها قبل از آن‌ها اشاره شده است؛ اما اگر در جمع‌نی‌کنی کلی بخواهیم این مشابه‌ها را دسته‌بندی کنیم، عناصر مشترک و ثابت زیر را می‌توان در همه هفت خان‌ها مشاهده کرد:

1. اعظام کننده؛ در هفت خان رسم اعظام کننده (ژالی، است. در هفت خان استفندار و گشتاسب) بدرس این نقش را بر عهده دارد. هر کول را بر پرآم وی (وریسمه) به دوازده خان وامی دارد. چیسون را عمویش می فرستد (سرامی، 1383: 1046).
فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۹، شماره ۷۱

۲. باریگر: یاریگر رستم «ولاده و رخش» است. یاریگر اسفندیار «گرگبار» است.

باریگر هر کول، خدا‌ایان به‌ویژه آتنا و یاریگر گیل‌گمش، «شامس» خداوند خورشید

است. یاریگر جیسون «آرگونات ها» بوسطه «هر کول» و «مده» هستند.

۳. زن جادو: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در هفت‌خانه رستم و اسفندیار شاهد

آن هستیم. همچنین در هفت‌خانه گیل‌گمش، جیسون و اولیس هم می‌توان به وضوح

این شخصیت منفی را مشاهده کرده.

۴. گذر از موانع طبیعی و انسانی - جانوری: قهرمان هفت‌خانه خان برای به‌دست آوردن

نامی در خور خود و برای دوباره‌زده شدن و رسیدن به حد انسان کامل، در راه با موانع

طبیعی فراوانی چون تاریکی، دریا، گرستگی و تسنگی و... برخوردو می‌کنند و از آن‌ها

سرپرسته می‌آیند. علاوه بر این موانع، مانگ مهم و اصلی که بر راه قهرمان قرار

دارد جانوران و انسان‌ها هستند. از این جانوران مهم که جزو شخصیت‌های اصلی و

شکل دهندگی اساطیرند می‌توان به گرگ، نیلر، اسل، گوگ، ازدها، غول، گریز... اشاره کرد.

۵. نتایج دادن شخص و رسیدن به هدفی که قهرمان برای آن راهبرده است: این

عامل در دو هفت‌خانه ایرانی که در شاهنامه ذکر شده است، عينی هفت‌خانه رستم و

اسفندیار، نمونه بیشتری دارد. این امر یکی از عوامل مهم بر جستجوی قهرمانان ایرانی

نسبت به سایر قهرمان‌ها است. رستم کاوسوس را از بند دیوان مازندران می‌رهاند،

اسفندیار خواهرانش را از بند ارگامب تورانی آزاد می‌کند. اما در سایر هفت‌خانه‌ها

بیشتر قهرمانان به دلایل شخصی این کار را انجام می‌دهند. جیسون برای آن‌ها می‌پدید

پادشاهی پدرش را به دست آورد و پادشاهی شوید او کار را انجام می‌دهد. اولیس برای

آن‌ها بتواند به خانه بازگردد، هر کول هم برای آن‌ها بتوانند از تالن قحل زن و سه

فرزنده‌های پایه این کار را می‌کند.

۶. ازدواج و رسیدن به پادشاهی: این اصل را هم می‌توانیم به عنوان یکی دیگر از

کارکردهای مشترک هفت‌خانه‌ها ذکر کنیم. اسفندیار هرچند به پادشاهی نمی‌رسد، در
آخر هفت خان با دو خواهرش ازدواج می‌کند. جیسون در آخر سفر طولانی خود با امدش ازدواج می‌کند. اولیس بعد از آنکه موفق می‌شود خان‌هایش را پشت سر بگذارد، پیش همسرش بزدی‌گی ون و بعد از کشت خواستگاران وي، دیوباره بر تخت شاهی می‌نشیند. گیل گمش هم بعد از آنکه گیاه جوی را از دست می‌دهد، دیوباره به اورک، زادگاهش بزدی‌گی ون و با دادگری و عدل پادشاهی می‌کند. همین اصل یکی از علت‌های اصلی نزدیکی هفت خان به قصه است: همانطور که قبل اشاره شد، پایان خوش یکی از ویژگی‌های اصلی قصه است، چراکه استوره دانان پایان تراژیک و تلخ دارد.

هفت خان و هفت خانهای شاهنشاه

با توجه به محورهای مشترک باشکوه، می‌توانیم در شاهنشاهی جند هفت خانهای یک‌دیگر را بر مبنای آنکه هفت خانهای خاصی که مشابه هفت خان خان را بر مبنای آنکه هفت خانهای خاصی که مشابه هفت خان خان را بر مبنای آنکه هفت خانهای خاصی که مشابه هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خانهای خاصی که مشابه هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به هفت خان، را برشمریم که از لحاظ سیاسی به یکی از علت‌های اصلی نزدیکی هفت خان به قصه است: همانطور که قبل اشاره شد، پایان خوش یکی از ویژگی‌های اصلی قصه است، چراکه استوره دانان پایان تراژیک و تلخ دارد.
با کتابون و بازگشت به ایران به پادشاهی ایران هم انتخاب می‌شدید (همان: 1387-1390). اسکندر هم در ماجراهای تلاش‌های برای پایان اکسیر حیات، که از نوع خان گونه‌های شاهنشاهی فردوسی است، با موافقه مانند کرگدن (افزوده به رزم اسکندر با کرگدن شادخان در شاهنشاه)، ازدنا و باد و برخ دود آتشین و... مقابله می‌کرد و از سد آنها با موافقت عبور می‌کنید. (ر.ک. حمیدیان، 1379/200-1379/1410)، اما موفق نمی‌شدید اکسیر حیات را به دست آورد (همان: 1387-1390). همچنین ماجراهای نجات بایدن پوز توسط رستم را می‌توان نمودی از هفت خانی دیگر برای رستم برخورد. رستم به دستور کیخسرو برای نجات بیژن اعزام می‌گردد و بعد از اینکه وی را نجات می‌دهد (نجاج دادن کسی) با تواراتیان (مناخ) چگل می‌کند و با پروزی به ایران بازی می‌گردد. در پایان باید گفت هفت خانیا بحث مهمی در استربون و کارکرده و عناصر مشترکی دارند و از پایان و آغاز مشترکی بارخوردارند. حرکت هفت خانی اصلی‌ماهی‌های تاریخی ندارد که بتوان آن را به سایر حرکت‌های تاریخی هم اشاعه داد. بلکه همان‌طور که استری برآمده از ذهن فعال و جویشان انسانی هستند، هفت خانیا هم در اثر نیازهای روانی مردم و جامعه شکل گرفته‌اند و برآمده از کش و قوس های تاریخی یک مثبت هستند. هفت خانیا حاصل خیال پردازی قومی است که در معرض تهیه واقع شده است (الفر دلش، 1387/53). در صورت کلی می‌توان گفت که هفت خانیا، هدفی هم‌هم‌هنج در آیندیزد و ارزش‌های اخلاقی حماسه‌ای دارند. (مسکو، 1374/24) تحلیل ساختاری هفت خانیا نشان می‌دهد که هفت خانیا علاوه بر آنکه زاده‌شد و برآمده از پنل استریونه هستند و از لحاظ ماهی‌کمال استریونه‌ای، با عالم قصه‌ها هم تابع و نزدیکی زیادی دارند و بسیاری از کارکردهای تشکیل هندسه‌های در الواقع کارکردهای قصه هم به حساب می‌آیند. به عبارتی واضح تر، این تحقیق نشان می‌دهد که هفت خانیا ساختاری استریونه‌ای - قصائی دارند؛ این امر از یک طرف این نکته مهم را اثبات می‌کند که استریونه و قصه‌های استریونه‌ای مشترکی دارند؛ و از طرف
بررسی ساختاری خان و هفت‌خان در شاهنامه و اسطوره‌ها و... صص ۱۳۷-۱۶۰

اگر یکی از عوامل اصلی چیزاتی و عکسهایش در این دو متن هفت‌خانه همین دو قطبی بودند آن است.

نتیجه‌گیری

خان و آزمند یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های اسطوره‌ای است و شامل و
زیربنای آن را شامل می‌شود. در اسطوره قهرمان همبسته به محکم انتخاب و آزمون
قرار می‌گیرد. در هفت‌خانها با تعداد زیادی از این آزمند (خان) و همیشه که
سلسله‌وار پشت سر هم چیده شده‌اند. انسان اسطوره‌ای یا گذرگردان از همین موانع و
با نتایج در ستون‌های هفت‌خان و روحی خود دوباره زاده می‌شود و امکان آن را به
دست می‌آورد که انسان برتر و کامل اسطوره‌ای (قهرمان) نامیده شود.

هفت‌خانها از موضوعات دلیل‌ساز و شرایط اساطیر ملت مختلف محسوب می‌شوند و
همه آنها دارای ساختار، استحکام‌نگاری و آغاز و پایان مشترکی هستند. هفت‌خانها
علاوه بر آن‌که ماهیتی کاملاً اساطیری دارند و در بطن اسطوره قرار دارند، به عالم قصه
هم ترکیبی هستند. به نظر می‌رسد که قصه‌های پریان شکل تحویل‌یافته و تقریباً مساوی
با هفت‌خانها در عالم قبل باشد. در واقع می‌توان گفت که هفت‌خانها ماهیتی
است. اسطوره‌ای قصه‌ای دارند و همین امر هم توجه به آن را بیشتر کرده و آن را
منحصر به فرد و مردم‌شناسی است.

پی‌نوشت

1. کلمه لوى اشرتوس (Claud Levi-Strauss ۱۹۰۸-۱۹۸۳) قوم‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی و از
نظریه‌پردازان مردم‌شناس مدرن که نام یی با ساختارگرایی عجیب‌الشک است.
2. بهتر است اینجا نوشته شود: گردیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی هر دو صورت اخان، و «خوان» را درست
دانسته است، با توجه به این امر که اخوانی داستانی در تمام این روایت‌ها براساس طی منزل و مرحله (خانه) است.

بهتر است اینجا نوشته است. (رک آدلی، ۱۳۸۸:۱۷).
فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال 41، شماره 71

3. برای هفته‌ی خواندنی، رستم و اسفندیار از شاهنامه فردوسی حکیمیان استفاده کرده است. هفته‌ی خواندنی و کتاب‌هایی در سلیمانیون و سلیمانیون در اختیار شده‌اند و برای داستان‌ریزی که در این کتاب به‌پایان می‌رسد، هفته‌ی خواندنی از این تحقیق دفعات زیادی به هفته‌ی خواندنی مکث‌گرفته است.

شود، فقط برای یک اول مشابه آنها که در هفته‌ی خواندنی است.

4. انتخاب راه دوباره و ساخت از بین این دو راه، بی‌کی از محورهای اساسی و مشترک هفته‌ی خواندنی است. در هفته‌ی خواندنی، رستم و اسفندیار به‌خصوص این امر دیده است. در سلیمانیون، بهداشت (زدن) برای یافتن پدر عهده‌ی هفته‌ی خواندنی را به راه دوباره درباره می‌گردد.

5. قدم و امر در کتاب‌های سلیمانیون از دو راه گذشت. این راه خارجی به‌مدت‌یک این داستان‌ها را به دلیل شیه‌ای بسیار به هفته‌ی خواندنی می‌رسد. هفته‌ی خواندنی، نامی‌های است (برک سرامی، 1383، 1371).

منابع

آصار، ا. (1380) روایت در فرهنگ عمانیه رسانه و زندگی روزمره. ترجمه محمدزاده لیواری. تهران: سروش.

آیدینلو، سجاد (1388) هفته‌ی خواندنی: نشانه‌نامه‌های ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهاء کرمان. شماره 26، پاییز 1371-72.

احمدي، باهنر (1371) ساختار و تأویل مثن. 2 جلد. تهران: مرکز اخوان. احمدی، محمد (1361) دستور زبان داستان. اصفهان: فرد.

اسکولار، رالف (1349) درد مدل بر ساختگی در ادبیات. ترجمه فرآیند طاهری. چاپ.

دوه، شیراز: آگاه.

اسکولار، کلود لوی (1349) بررسی ساختاری استطلاع. ترجمه بهار محترمیان و فاضل الله باکر، درشتی. شماره 4: 160-161.

بائی، ولایت (1361) تقدیر تفسیری. ترجمه محمدتقی غیاثی. تهران: نوژی. باقری، کریستو ولک. میشل کویپر (1349) سرچشمه‌های داستان کودکانه فارسی. ترجمه احمد کرمی حکاک. شیراز: پاییز.

پراب، ولادیمیر (1361) ریخت شناسی فرهنگی پایان. ترجمه فریدون بردوار. تهران: نوژی.
بررسی ساختاری خان و هفت خان در شاهنامه و اساطیرها و... صص۱۲۷-۱۶۰

شامل، احمد (۱۳۸۳) گیل گمش. چاب دوم. تهران: چشم.
صفوی، حسن (۱۳۵۶) بیلولامنامه گیل گمش. تهران: امیرکبیر.
فردوسی، ابولقاسم (۱۳۷۵) شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان. چاب پنجم. تهران: قطعه.
گورگال، پیر (۱۳۷۷) فرهنگ اساطیر بیزان و روم ۲جلد. ترجمه احمد بهمنی. چاب سوم.
تهران: امیرکبیر.
لوفر دلامو، م (۱۳۸۶) زبان و زبان پهلوی. ترجمه جلال ستاری. چاب دوم. تهران: نوست.
مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۴) گیل گمش. تهران: طرح نو.
منشیزاده، داود (۱۳۸۲) حماسه گیل گمش. تهران: اختران.
میرصادی، جمال (۱۳۷۹) ادبیات داستانی. چاب سوم. تهران: سخن.
واتحادوست، مهوش (۱۳۷۹) نهادنامه اساطیری در شاهنامه فردوسی. تهران: سروش.
فارنر، ركس (1387) دختر امامزاده امام جعفر صادق. ترجمه ابوالقاسم اماسیعی پور، جای شهر تهران.

اسفندیاریون، ادیت (1376) سیره اساسیار بیویان و ریم. ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران.

اساطیر.

یونگک، کارل گوستاو (1377) انسان و سمبل‌های آن. ترجمه محمود سلطانی. تهران: جامی.